

قدم روی برف

امیر نیازی

بِه نَامِ خُدَا

قدم روی برف

(مجموعه شعرهای امیر نیازی)

حروف نگاری و صفحه آرایی : مهتاب نیک خواه

طراح جلد : مهدی مرادی (گروه هنری فارا)

عکس ها : علی بیداری با همکاری رها پریانی

تاریخ انتشار کتاب : پائیز ۹۴

کلیه حقوق قانونی این اثر برای نویسنده محفوظ است.

مطالب این کتاب کاملا اجتماعی میباشد



ازت دلگيرم

ازت دلگیرم

ازت دلگیرم عشقم دیدی نموندی
من جز با تو بودن چیزی نخاستم
با رفتنت همه چی به هم ریخت
باشه قبول من بد بودم برات
با جداشدنمون این وسط من تنها شدم
ازت دلگیرم چیزی نمیگم بهت
روزنه امید بسته شد برام با رفتنت
از تو دلگیر باشم یا نباشم فرقی نداره برات

باشه قبول تو بردی به من فهموندی
گفتی بدم خودم از راهت برداشتم
سقف دنیام از بی کسی روی سرم ریخت
تو خوب بودی چرا رنجوندی منو با حرفات
از همه بریدم حتی از خودم جدا شدم
شاید بفهمی خودت یه روز بگی بهم
تو چشمام غم میدیدی چقدر گفتم بهت
تو الان حاضری نباشم ذره ای توی دنیات

قدم روی برف

قدم روی برف

کسی تو دنیا نباشه خیلی راحت
دل شکسته از بس شدم با خودم درگیر
قدم میزنم روی این برف با دلی پر درد
کسی نفهمید منو از این شهر متنفرم
حتی خاطرات خوبم دیگه برام مرد
کاش خدا بدونه دنیا به من بد هکاره
یادش بخیر چقدر راحت بهم گفت برو
فقط فکر میکنم اخرش این چتر بمونه یادم

خیلی وقته که با خودم کنار اومدم
هم صحبت من شده این روزای دلگیر
راه میرم روی این پیاده رو سرد
توی این شهر تکراری چقدر راه برم
زندگیم مثل این زمستون شد خشک
برف اسمون روی این چتر میباره
هر شب حرف میزنم با این پیاده رو
دلنگ نمیشم براش به خودم قول دادم

کم بودم برات

کم بودم برات

ببخش غم بودم برات
یه تیکه زخم بودم برات
چون تو کنارم پر از دردی
حتی چیزی نگفتی از موندنم
شاید هیچ وقت سراغت نیام
فرصت نده به من بد بودم

ببخش کم بودم برات
میون این همه عاشقی
از کنارت میرم تا بخندی
افسرده شدی از بودنم
من میرم با خودم کنار میام
دست خودم نبود کم بودم

آبوم كهنه

آلبوم کهنه

به هر خوب بدی گذشت
قلبم گاهی شکست گاهی گم شد
روزای قبل برنمیگرده میدونم
آئینه شکست یا من
با حسرت عشق نگاه میکنم
خدارو صدا میکنم
تقصیر من بود از بی کسی ترسیدم
گاهی از خودم رد شدم
انگار راهی تازه به دنبال می آید

ساعت یادم میندازه چه زود گذشت
کاغذ خاطرات من پر شد
به تقویم دیوار خیره میمونم
آئینه پیرتر شد یا من
به عکس های البوم کهنه
کنار این تنهایی سرد
هرچه خوب بودم بد دیدم
گاهی با خودم بد شدم
این روزها هم حال هوایی دارد

کوچہ

کوچه

از من میپرسه دلیل سکوت رفتنو
پس کجاست روزای خوب رفتنت زوده
سوزوندی بد کردی رفتی چه راحت
از یاد بدی هات باز میخندم
اما خاطراتش چقدر بی رحمه
تنها قدم بزن به یاد حرمتی که بوده

این کوچه مثل قبل میبینه منو
هنوز حرفامون میپیچه تو این کوچه
دلگیر شدم ازت باز همین ساعت
تا اخر این کوچه چشمام میبندم
این کوچه تنها منو خوب میفهمه
تو گذرت اگر خورد به این کوچه

منظر میمون برگردی

منظر میمونم برگردی

منتظر میمونم تا برگردی
گرچه خیلی به من بد کردی

دست خودم نیست دنبالتم
تو برگرد مثل قبل تکیه گاهتم

برگرد عاشق هم شیم دوباره
قلب من به تو نیاز داره

قبل تو تنهایی ام عادتتم بود
بعد تو تنهای ام منو شکست زود

بخت فکر میکنم مثل قبل هنوز
گرچه بی معرفت شدی بخاطر آیدنت

تو خوشبخت بشی من خیالم راحت
اما هنوز تو خیالم دلم دنبال فرصت

امیدوارم این اشعار مورد رضایت شما قرار گرفته باشد
خوشحال میشم صفحه منو دنبال کنید و نظراتتون بهم بگید



INSTAGRAM / AMIRNIAZZI

قدم روی برف

امیر نیازی پائیز ۹۴